

روزنامه سیاسی اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

روزنامه



یکشنبه ۲۴ تیر ۱۴۰۳ _ ۸ محرم ۱۴۴۶ _ ۱۴ ژوئیه ۲۰۲۴
سال نهم _ شماره ۲۴۵۸ _ صفحه ۴ _ قیمت ۱۰۰۰۰ تومان



دولت می‌گوید میراث به جامانده زمین سوخته نیست اما اقتصاد دانان نظر دیگر دارند
دو نگاه متفاوت به اقتصاد کشور

دلایل رویکرد مردم به چهره غیراصولگرا از نگاه یک فعال اصولگرا:

تجمیع نارضایتی‌ها و آرای خاکستری

«حسین کنعانی‌مقدم» فعال سیاسی اصولگرا در گفت‌وگو با ایپنا، در خصوص ارزیابی پیروزی پزشکیان در چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری گفت: عوامل مختلفی در پیروزی آقای پزشکیان وجود داشت. اولین مورد عدم‌انسجام در جبهه انقلاب بود که در انتخابات‌های گذشته تلاشی می‌کرد از یک نامزد حمایت کند؛ اما این‌بار تعدد نامزدها و رقابت در جریان اصولگرایان باعث ایجاد خلایبی در جبهه انقلاب شد…

در پی تشبیه پزشکیان به یزید رخ داد

خشم عزاداران حسینی علیه طلبه هتاک

براساس گزارش رئیس مرکز مطالعات و اطلاعات رفاه ایرانیان:

دهک‌بندی خانوارها برای یارانه، شهر یور تغییر می‌کند

یادداشت

امام حسین(ع) را از کجا شناختم

محمد علی اخوت _امام حسین(ع) را از کودکی در کنار مادرم در مراسم سو گواری آن حضرت شناختم؛ امامی که همه جا و هرزمان از ستم‌پدیدی او و خاندانش سخن می‌رفت و همین‌جا بود که با مفهوم دادگری و ستم آشنا شدم. امام را در کوه‌پس کوچه‌های خیابان ری و محله آب‌منگل در حسینیه‌ها شناختم که همواره از قیامش بر یزیدیان و مبارزه با اندیشه ستمکارانه ایشان، می‌شنیدم و کتیبه‌های اشعار محشتم: «بزرگ فلسفه قتل شاه دین این است که مرگ سرخ به از زندگی ننگین است.» امامی که نبردبا پیداد، شاه بیت قیامش بود و با شعار هیهات‌منال‌الله، نظام حاکم را به چالش کشید وچه بسیار قیام‌ها و مبارزه‌ها از او الهام گرفتند.

با این شناخت، امامی که من می‌شناختم امام سینی‌های پلو ،خوش‌نیست که از مایشاگاه‌های ماشین‌های بنز و پورشه درایم محرم در آمده و برخی برای لقمه‌ای از آن سر و دست می‌شکنند. امامی که من می‌شناسم درحسینیه‌های ساختمان‌های برخی غصبی و گران قیمت مستولان که زیر زمین را ریاکارانه تبدیل به حسینیه کرده‌اند و با آن به مردم فخر می‌فروشند و گاه تصمیم‌های مهم مملکتی می‌گیرند؛جای ندارد. امامی که من می‌شناسم با بودجه دولتی میانه‌ای ندارد حتا اگر با آن بودجه به سوگش نشینند؛ چراکه امام من راضی نیست از پول مردم برایش عزاداری کنند. امامی که من می‌شناسم با مداحان و اهل منبری که با تحریف تاریخ عاشورا و آمیختن آن باخرافه‌ها،سوگواری او را محل ایجاد در آمدهای میلیاردی کرده‌اند؛ بطوری که بهقول شهید مطهری اگر تحریف‌های رویدادهای عاشورا را جمع کنند، چندین جلد کتاب خواهد شد؛ فرستگ‌ها فاصله دارد. امامی که من می‌شناسم حکومتی نیست؛ حقوق بگیر نیست تا به کسی بدهکار باشد. بههمین دلیل است که آزاده‌است و مرگ باعزت را به دلت دربرابر ستمگران، ترجیح می‌دهد.

امامی که من می‌شناسم در زمان سوگواری، پست و مقام تقسیم نمی‌کند. امامی که فریاد می‌کشد اگر دین نداردید لا اقل در زندگی این جهانیتان مردمی آزاده باشید! امام من راضی نیست به پنهان سوگواری برای شهدادتش به آزار و سز کوب مردم پرتازند چراکه او همراه با ستمگران به مبارزه بر خاسته است. امروز روح امام بزر گوار رنجیده است. سخن این روح پرفتنوح بهقول مرحوم استاد شهید مطهری در سخنرانی سال ۱۳۴۸ این است «اگر امام حسین(ع) زنده بود می‌گفت اگر می‌خواهی برای من عزاداری کنی، برای مردم فلسطین عزاداری کن. شمر ۱۴۰۰سال پیش مرد شمر امروزت را بشناس .» اکنون اگر امروز شهید مطهری زنده بود و نسل کشی مردم غزه را می‌دید چه می‌گفت؟ چرا ماهنوز قتل دو طفلان مسلم را و ستم‌های خولی و این زیاد را می‌بینیم و مویه می‌کنیم اما در برابر کشتن هزاران انسانی بی‌گناه که تعداد زیادی از آنها کودک هستند، ساکت می‌مانیم. برای اصغر امام داستان‌ها می‌گوییم اما فراموش می‌کنیم که چه تعداد کودک ک شسر-خوار را با بمباران بی‌وقفه‌می‌کشد.

اگر امام در میان ملود، چه می‌گفت؟

بهرتر است کمی هم به کربلای غزه بیندیشیم و به یاری ستم‌پدیان برخیزیم که این مرام امام ماست. به چنین امامی است که باصدای بلند باید گفت: لیبک یاحسین!

حقوق‌دان

یادداشت

محمد جواد ظریف یا هنری کیسینجر ایران

حجت‌اله رضانی _ هنری کیسینجر پس از خدمت سربازی، در دانشگاه هاروارد،همین دانشگاه معروفی که دکتر پزشکیان رئیس جمهور منتخب درس خوانده است،تحصیل کرد . کیسینجر سپس در همان دانشگاه به عنوان استاد مشغول به کار شداو در این مدت مشاور دولت‌های آیزنهاور ، کندی و جانسون در امور امنیت ملی بود. ریچارد نیکسون پس از انتخاب به ریاست جمهوری،کیسینجر را در سال ۱۹۶۹ به سمت مشاور امنیت ملی خود منصوب نمود . او در سال ۱۹۷۳ با حفظ سمت، وزارت امورخارجه آمریکا را نیز بر عهده گرفت و اولین کسی بود که هر دو سمت را هم زمان در اختیار داشت. کیسینجر به سرعت خود را همچون وزنه‌ای سنگین در امور سیاسی تثبیت کرد و همراه با اصطلاح رئال پولیتیک باقی در عرصه‌مطالعات سیاسی و روابط بین الملل شهرت یافت‌او معتقد بود «دولت سازمانی شکننده است و زمامدار حق اخلاقی ندارد که بقای خود را با محدودیت های اخلاقی به خطر بیندازد .» او راهبرد تنش زدایی را برای کاهش خصومت های فزاینده با اتحاد جماهیر شوروی پیش برد که منجر به پیمان‌های محدود کردن تسلیحات راهبردی و هسته‌ای شد.

همچنین در سال ۱۹۷۲،در تعامل با چین ، زمینه را برای سفر مهم نیکسون به آن کشور فراهم کرد **اقدامی** که نقطه عطفی در جنگ سرد تلقی می شد. او سپس نقش مهمی در کمک به مذاکره برای آتش بس میان اسرائیل و کشور های عربی پس از جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۷۳ و از سر گیری دیپلماسی بین امریکا و مصر داشت. کیسینجر در زمان تصدی وزارت امور خارجه امریکا ۲۱۳ بازدید از کشورهای مختلف داشت. یک بار در ۱۸ روز به ۱۷ کشور جهان سفر کرد و در سال ۱۹۷۳ برای شرکت در مذاکرات بین مصر و سوریه و اسرائیل ۳۳ روز متوالی را در خاورمیانه گذراند. کیسینجر در پایان دادن به دخالت مستقیم ایالات متحده در جنگ ویتنام از طریق مذاکرات طولانی که منجر به توافق نامه صلح پاریس شد،تأثیر مهمی داشت و به همین دلیل جایزه صلح نوبل را دریافت کرد. کیسینجر در فهرست نظرسنجی سالانه گالوپ دو سال پی در پی رتبه اول را به خود اختصاص داد و نیکسون و جردلفورد را پشت سر گذاشت. فور،د کیسینجر را در مقام وزارت امور خارجه حفظ کرد و او بیشتر کار خود را دوباره روی خاورمیانه و توافق سینا بین مصر و اسرائیل در سال ۱۹۷۵ متمرکز نمود. او در سالهای بعد عهده دار مناصب مهم دولتی و ملی بود و اما دکتر محمد جواد ظریف در سال ۱۳۶۷ دکترای مطالعات بین الملل خود را از دانشگاه دنور ایالت کلرادو گرفت. ظریف مقطع کارشناسی ارشد خود را نیز در حوزه روابط بین الملل و در دانشگاه ایالتی سانفرانسیسکو به پایان برد. این دیپلمات کهنه‌کار در موارد و مسائلی چون: مذاکرات هسته ای و رفع تحریم‌ها در راستای منافع ملی، مهارت کافی در مسئله شناسی و حل مسئله در مناسبات و روابط بین الملل، قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل که منجر به پایان دادن جنگ هشت ساله تحمیلی شدنقش مهمی داشته‌است.

همچنین ایشان حتی در انتخابات اخیر ریاست‌جمهوری به اتفاق محمد جواد آذری جهرمی بیشترین ابتکار عمل و تأثیر گذاری را در سیاست داخلی داشته است.لذا شایسته و سزاوار است مانند کیسینجر که هر دو جریان سیاسی دموکرات و جمهوری خواه در آمریکا زمینه نقش آفرینی را در جهت تأمین منافع ملی آن کشور برای وی فراهم نمودند، ما هم بستر را برای «محمدجواد ظریف» دیپلمات وطن پرست نیز فراهم نماییم؛ زیرا در عصر مدرن سیاسی فعلی ماهیت و منابع قدرت در حال تغییر هست و بنابه نظریه جوزف‌نای اندیشمند حوزه جهان سیاست، قدرت سخت به اضافه قدرت نرم، مساوی با قدرت هوشمند است بنابراین نظام و حاکمیتی بر متن و پیرامون خود تسلط خواهد داشت که مهارت لازم و کافی در ترکیب قدرت سخت و نرم را داشته باشد. در غیر این صورت با قدرت تک بعدی، شکست با هزینه‌های جبران ناپذیر سرنوشت حتمی خواهد بود. در پایان امیدوارم که جبهه پایدار ادراک منافع و مصالح ملی را داشته باشد.

«منابع:کتاب رهبری شش راهبرد جهانی نوشته ی هنری کیسینجر _ کتاب "اینده قدرت" نوشته جوزف نای.

کارشناس مسائل سیاسی

یادداشت

فروغ و فضیلت خردورزی

محمدعلی نویدی _چرا خردورزی بنیان و ریشه‌سایر منابع و مآخذ معرفتی –مدیریتی است؟ فروغ و روشنی خردمندی چگونه در زندگی آدمیان ساری و جاری می‌شود؟ فضیلت خردورزی از کجا نشأت می‌گیرد؟ منظور از خرد ورزی، به تحقیق، تعقل و بهره مندی و به‌کارگیری نیرو و توانایی تفکر و اندیشیدن و تفکر است. خردورزی بنیان و اساس، تبیین و تحلیل، تنظیم و تنسيق، ترتیب و تبویب، تدوین و طراحی و اقدام و اجرای امور آدمی و سر و سامان امور اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و سیاسی است. در مقابل خردورزی، خرد ستیزی و خردگریزی قرار دارد؛ با خردگریزی تشخیص صحیح مسیر و هدف زندگی انسان ناممکن می‌شود، زیرا، خرد و خردورزی سرچشمه و منبع خلاقیت، نوآوری و کشفیات و ابتکارات و اختراعات و روشنی و آگاهی و شناخت امور صحیح از امور سقیم است. یعنی، اگر پرسش شود، چگونه راحل‌های درست و صحیح امور و مسائل اجتماعی را از خرد سقیم و نادرست، تشخیص دهیم و بشناسیم و در زندگی جاری سازی کنیم؟ پاسخ را لاجرم در نقش و اثر خردورزی و اثربخشی باید جست.

خردورزی و تعقل در اصل تولید علم و دانش و شفافیت و آگاهی است. به تعبیر دیگر، با فروغ و فروز و تابش و روشنی خرد آدمی، جهان و جامعه و زندگی وی روشن‌شدگی و درخشندگی و جذایبت و امیدواری و معناداری پیدا می‌کند، و با غروب و افول، انحطاط و انقباض و تاریکی و تیرگی عقل و اندیشه و ساحت و سطوح گوناگون حیات بشری، مکدر و مکدوم می‌گردد. بنابراین، خرد، خورشید و چراغ نورانی و روشنائی جان و جسم انسانی، خرد و خردورزی است.

جهان سسر به سر حکمت و عبرت است، چرا بهره ما همه غفلت است. حکیم فردوسی، حکمت و عبرت ریشه در تعقل و تفکر دارد. وقتی جان‌ها و جسم‌ها، مکدر و تیره بمانند و توان و قوت پرتو افشانی نداشته باشند، امید به زندگی و چشم انداز، آینده روشن و اثربخش به محاق می‌رود و ضعیف و نحیف می‌گردد. لذا، فروزندگی و روشنی زندگانی انسانی از روی آوری و التفات جدی او به نیروی خرد و اندیشه ناشی می‌شود و تیرگی‌ها و گره‌ها را می‌گشاید. یعنی، گشایش و رهایش در امور زندگی با اعتنا و اعتبار خرد و خردورزی نسبت وثیق دارد. کدام جامعه را سراغ دارید بدون توجه به عقل و علم، زندگی توأم با آرامش و آسایش داشته باشد؟ در همین قاره آسیا به ژاپن، کره جنوبی، سنگاپور و مالزی و غیره و غیره بنگریم و مصادیق عقل‌گرایی و خردمندی را دریابیم. بدین سسان، اگر ذهن و ضمیر شهروندان یک جامعه و کشور با نور و روشنائی خرد و خردورزی آفروخته و مشتعل و شعله ور گردد و روشنی و گرمی و حرارت پذیرد، بسیاری از خامی‌ها و ناپختگی‌ها و تیرگی‌ها و گره‌ها، نورانی و گشوده و رونق می‌گیرد. از این روی، بدحالی و بدبختی جامع با خردگریزی و خردستیزی ارتباط دارد. خرد و منطق و برهان، حکم به راستی و درستی و صداقت می‌کند و راه می‌برد، و بی‌بخردی و جهالت و جرم اندیشی، حکم به تعصب و خرافات و خودخواهی و بستگی، می‌دهد و تباهی و تیرگی پیش می‌آورد. آیا بستگی و خفقان اجتماعی و سیاسی، با انبساط و گشودگی اوضاع و احوال یکسان است. خرد و خردورزی آفق و آینده را می‌گشاید و اختناق و خفگی را به آزادی و رهایی مبدل می‌سازد. بدین جهت، خردورزی و تعقل ریشه و اصل است و سایر منابع معرفتی و مدیریتی بر پایه و شالوده آن بی‌ریزی می‌شود. فضیلت خردمندی یک فضیلت و برتری برین و پهن است که با حذف رذیلت‌ها، آدمی را متعلق به صفات انسانی و آداب بشری می‌نماید و صدور افعال و اعمال ستوده و پسندیده را برای بشر به ارمان می‌آورد. حکیم ابونصر فارابی در کتاب «تحصیل السعاده » بطور مفصل به توضیح فضایل فکری «خردورزان» و خلقی و غیره پرداخته‌است. مراد من از ارزش و اهمیت بنیادین خردورزی، امکان تعالی و تکامل و توسعه فرد، خانواده و جامعه است؛ زیرا، با اهتمام به خرد و خردورزی، پنج تغییر و دگرگونی اساسی در متن جسم و جان و واقعیت زندگی اجتماعی رخ می‌دهد.

۱- افسق دید و نگرش آدمیان باز و فراخ می‌گردد. یعنی، فروزندگی و فروخمدنی، با فرهمندی و فرزائگی ارتباط وثیق دارد.
۲- اخلاق و ادب جایگزین بد اخلاقی و بی ادبی می‌شود. زیرا، خردمند اول می‌سنجد و آنگاه دم بر می‌آورد. اول اندیشه و آنگهی گفتار.
۳- وسعت وجودی و ظرفیت نقد و نقادی، خردمندان و دانشوران اغلب اهل نقد و نظر هستند و با نقادان و حتی عیب جویان با ملدرا مواجه می‌شوند و موجب رمیدگی و آزرزدگی اشخاص نمی‌گردند.
ادامه در صفحه ۵

گزارش «همدلی» از برداشت آزاد هموطنان در پاسخ به یک سوال قابل تامل:

اگر حسین بن علی(ع) بود چه می‌کرد؟

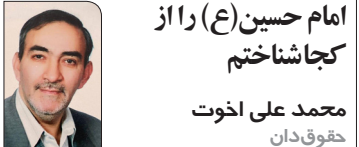
همدلی | **گروه اجتماعی**: دیوارنگاره میدان ولیعصراین‌بار نه تنها رنگ و بوی محرمی به خود گرفت که سسوالی که در آن مطرح شده می‌تواند تلنگری باشد برای یک دنیا حرف و آرزو و اظهار نظر. از هر طرف میدان که نگاه می‌کنی، دیوار نگاره‌ای را می‌بینی که ترسیمی است از لحظات تکرار نشدنی عاشورا تا صف آرایی نیروهای انقلابی در برابر دشمنان پیدا و پنهان کنونی . اما شاید جالب ترین بخش این دیوار نگاره، سسوالی باشد که در گوشه راست آن نقش بسته است. سوالی با این مضمون که: «اگر حسین‌بن‌علی(ع) بود چه می‌کرد؟»



صدها کودک، زن و مرد غیر نظامی فلسطینی در حمله اسرائیل کشته و مجروح شدند

جنایت در “المواصی”

یادداشت‌ها

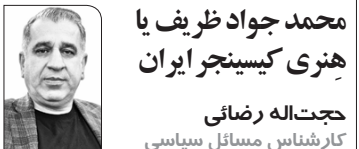


امام حسین(ع) را از کجاشناختم

محمد علی اخوت

حقوق‌دان

امام حسین(ع) را از کودکی در کنار مادرم در مراسم سو گواری آن حضرت شناختم؛ امامی که همه جا و هرزمان از ستم‌پدیدی او ...



محمد جواد ظریف یا هنری کیسینجر ایران

حجت‌اله رضانی

کارشناس مسائل سیاسی

هنری کیسینجر پس از خدمت سربازی، در دانشگاه هاروارد،همین دانشگاه معروفی که دکتر پزشکیان رئیس جمهور منتخب درس خوانده...

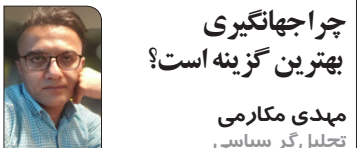


فروغ و فضیلت خردورزی

محمدعلی نویدی

استاد دانشگاه

چرا خردورزی بنیان و ریشه سایر منابع و مآخذ معرفتی – مدیریتی است؟ فروغ و روشنی خردمندی...



چرا جهانگیری بهترین گزینه است؟

مهدی مکاری

تحلیل‌گر سیاسی

در مهمترین مرحله تصمیم‌گیری و ریل‌گذاری دولت آینده قرار دارد. انتخاب کابینه گام و خشت اول دولت چهاردهم است کابینه گام و خشت اول دولت چهاردهم است

یادداشت

چرا جهانگیری بهترین گزینه است؟

مهدی مکاری _ در مهمترین مرحله تصمیم‌گیری و ریل‌گذاری دولت آینده قرار دارد. انتخاب کابینه گام و خشت اول دولت چهاردهم است و از این رو مسئولیت سنگینی بر دوش دکتر پزشکیان است. از سویی انتخاب کابینه‌ای کارآمد، پرتاثری و پاکدست، با میانگین سنی مناسب و هم‌سو با تفکر و دیدگاه‌های رئیس جمهور منتخب حائز اهمیت است. از سوی دیگر تنظیم مناسبات سیاسی دولت با سایر ارکان نظام نیز در این انتخاب موثر است. انتخاب معاون اول رئیس جمهور بعنوان مهنترین عصر کابینه بعد از رئیس جمهور بسیار مهم و تعیین کننده است و مجالی برای آزمون و خطا در این خصوص نیست. با بررسی اسامی که تاکنون برای معاون اولی مطرح شده اند بنظر می‌رسد “محمد جهانگیری ” به‌دلالی که در ادامه به آن خواهیم پرداخت از جامعیت بیشتری نسبت به دیگران برخوردار است. و دیگر گزینه‌ها قابلیت‌های چندبعدی کمتری در مقایسه با وی دارند. هم‌سویی با تفکر و دیدگاه‌های رئیس جمهور منتخب و عقبه سیاسی و اجتماعی این دولت مسئولی‌های است که بدنه اجتماعی از پزشکیان انتظار دارد حفظ امیدواری و دلگرمی این بدنه اجتماعی و به‌عبارتی حفظ سرمایه اجتماعی دولت چهاردهم، منوط به انتخاب معاون اول و وزیرایی با نزدیکترین همسویی سیاسی و اجتماعی است. از این نظر جهانگیری بواسطه سوابق سیاسی و مدیریتی و بهترین تناسب را با دولت چهاردهم دارد. پیش از انتخابات نیز نام وی به عنوان یکی از گزینه‌های اصلی اصلاح طلبان و اعتدال‌گرایان برای ریاست جمهوری مطرح بود.

سوابق مدیریتی جهانگیری از همه گزینه‌های دیگر بالاتر و قوی‌تر است. با توجه به شرایط خطیر کشور، وضعیت اقتصادی و تحریم های ظالمانه و کاهش تالب‌آوری جامعه و دلسردی بخش کثیری از جامعه، لازمست کسی معاون اول رئیس جمهور شود که از توان و قابلیت بالای مدیریتی و تجربه و پختگی لازم برخوردار باشد و به این واسطه از شیخوخت لازم نیز برای حل و فصل مسائل درون کابینه بهره مند باشد. از طرف دیگر وی به واسطه تجربه هشت ساله دولت تدبیر و امید، با ریز و درشت مسائل امروز کشور که با تحریم‌ها و ناهماهنگی‌های داخلی گره خورده بطور کامل آشناسمت و می توان گفت او به روز ترین گزینه معاون اولی در رابطه با مسائل کلان کشور است و هیچ‌کدام از گزینه‌های دیگر شناخت جامع و کامل به و روز وی از وضعیت موجود کشور را ندارند و عقل و منطق هم حکم می‌کند ازین حیث نیز حائز اهمیت است. ضمن آنکه وی شناخت عینی و تجربه شده ای نکته دیگر آنکه از میان گزینه‌های مطرح شده، جهانگیری بیشترین محبوبیت را میان بدنه اجتماعی و سیاسی هوادار دولت چهاردهم و بطور مشخص در میان اصلاح‌طلبان دارد.

نکته دیگر آنکه جهانگیری مدبری تک بعدی هم نیست. شناخت و تسلط او در حوزه های اقتصادی، بین المللی، سیاسی داخلی و اجتماعی بیش از دیگر گزینه‌هاست که احتمالاً صرفاً در یک حوزه خاص شناخت و تسلط دارند. با توجه به پیچیدگی و درهم تنیدگی مشکلات امروز کشور و همچنین نقش معاون اول رئیس جمهور در ایجاد هماهنگی‌ها و انسجام مجموعه دولت، حضور جهانگیری ازین حیث نیز حائز اهمیت است. ضمن آنکه وی شناخت عینی و تجربه شده ای از تعامل و مناسبات دولت با دیگر نهاده‌ا و ارکان نظام نیز در کارنامه خود دارد. بر همین اساس بهنظر می‌رسد ناپدیده‌گناشتن همه این مزیت‌ها و موارد بسیار دیگری که در این مقال نمی‌گنجد آنهم به پنهان برجست دولت سوم روحانی که توسط اصولگرایان در انتخابات مطرح می‌شد منطقی و عقلایی نیست. مردم نیز در انتخابات نشان دادند که آگاهی کاملی از تفاوت‌های دولت روحانی با دولت نیز از آن دارند و فریب پروپاگاندای رسانه‌ای کمپین انتخاباتی رقیب را نخوردند. از طرفی جهانگیری در دولت روحانی نیز نهاد و نماینده جریان اصلاحات بود و حضور او در دولت چهاردهم نمی‌تواند تداوم دولت روحانی تلقی شود گرچه اساساً طرح گزاره‌هایی چون تداوم این دولت و آن دولت و کنار گذاشتن سرمایه‌های غنی انسانی به این پنهان‌نستی با رویکردهای توسعه‌گرایانه ندارد و نتیجه‌ای جز فرست سوزی نخواهد داشت.

تحلیل‌گر سیاسی